

Unit 18 book 3

زره

زره فلزی است که سربازان برای محافظت از بدن از آن استفاده می کنند.
این سرباز برای محافظت از بدن خود زره پوشیده بود.

آتش

شعله ور شدن به معنای سوختن روشن یا قدرتمند است.
آتش کوچک به زودی به یک آتش سوزی بزرگ تبدیل شد.

رونق

بوم به معنای ایجاد صدای بلند و عمیق است.
ترقه سوزها وقتی منفجر شدند ، رونق زیادی گرفتند.

صخره

صخره دیواری بلند و غالباً صاف از سنگ است.
گرگ کنار صخره ایستاد و زوزه کشید.

شعله

شعله بخشی از آتش است.
مشعل از شعله های آتش زرد و نارنجی پر شد.

استقلال

استقلال حالت آزاد بودن از کنترل دیگران است.
صوفیا پس از ترک خانه احساس استقلال زیادی داشت.

تهاجم

تهاجم حمله گروهی از کشور دیگر است
در کره دیوارهایی در اطراف شهرها ساخته شد تا از حملات در امان بمانند.

شوالیه

شوالیه سربازی با درجه و مهارت بالا است که معمولاً در خدمت یک پادشاه است.
او بهترین سرباز بود ، بنابراین پادشاه او را یک شوالیه کرد.

رعد و برق

رعد و برق ، نوری روشن است که در هنگام طوفان دیده می شود.
رعد و برق در بالای آب برخورد کرد.

یاغی

شورش شخصی است که برای تغییر دولت با دولت می جنگد.
یاغی به اندازه کافی از سیاست های ناعادلانه دولت برخوردار بود.

عقب نشینی

عقب نشینی یعنی فرار ، زیرا در جنگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته ای.
ارتش عقب نشینی کرد زیرا آنها در جنگ شکست می خوردند.

انقلاب

انقلاب تغییر گروهی در سیستم سیاسی است.
انقلاب در روسیه منجر به ایجاد اتحاد جماهیر شوروی شد.

نیزه

نیزه چوب بلندی است که در یک سر آن تیغه وجود دارد و از آن به عنوان سلاح استفاده می شود.
سرباز نیزه ای در دست داشت.

شیب تند

اگر چیزی شیب دار باشد ، شیب یا زاویه آن بالا می رود یا به شدت سقوط می کند.
او با دوچرخه خود از تپه شیب دار بالا رفت تا به قله برسد.

قله

قله بلندترین قسمت یک تپه یا کوه است.
برف قله کوه را حتی در تابستان پوشانده است.

رعد و برق

تندر صدای بلندی است که در هنگام طوفان شنیده می شود.
صدای رعد مرا متحیر کرد.

نیرو

نیرو سربازانی هستند که در یک نبرد به صورت گروهی می جنگند.
نیروها همه آماده رفتن به جنگ بودند.

جنگجو

یک جنگجو یک سرباز یا مبارز شجاع است.
سامورایی ها از ماهرترین جنگجویان جهان باستان بودند.

کنار کشیدن

عقب نشینی یعنی ترک مکانی ، معمولاً در زمان جنگ.
دشمن پس از شکست در جنگ ، به کشور خود عقب نشینی کرد.

دست کشیدن

دست کشیدن از چیزی به معنای کنار گذاشتن کنترل آن و یا بخشیدن آن است.
او مجبور شد نوبت خود را تسلیم کند زیرا در کیش و مات بود.

طرح شوالیه

شهری برای استقلال خود از کشور دیگری می جنگید. چند شورشی ، انقلابی را آغاز کردند. با این حال ، آنها از حمله نیروهای
زیادی ترسیدند. آنها جنگجویان کافی برای جلوگیری از آنها نداشتند ، بنابراین از یک شوالیه کمک خواستند.

شوالیه نقشه ای کشید. کوهی بلند در بیرون شهر بود. جاده نزدیک به بالا بسیار باریک بود. صخره ها در هر دو طرف آن بلند
شدند.

"ما باید دشمن را فریب دهیم. آنها باید ما را تا کوه دنبال کنند." "در مسیر باریک ، فقط تعداد معدودی می توانند همزمان به

ما حمله کنند."

مردم با نقشه شوالیه موافقت کردند.

شوالیه زره خود را پوشید و رزمندگان نیزه های خود را به دست آوردند. هنگام حمله دشمن ، شوالیه و رزمندگان طوری رفتار می کردند که گویی می ترسند. آنها به سرعت به سمت کوه عقب نشینی کردند.

سپاهیان دشمن آنها را در مسیر شیب دار دنبال کردند. به زودی دشمن خسته شد.

در قله ، شوالیه و نیروهایش متوقف شدند. دشمن نزدیک آنها بود. اما حالا آنها خسته شده بودند. همچنین فقط چند نفر می توانستند حمله کنند زیرا مسیر باریک بود. شوالیه و رزمندگان با دشمن جنگیدند. اما تعداد نیروها بسیار زیاد بود.

شوالیه ترسید. اگر رزمندگان مسیر را به دشمن واگذار می کردند ، شهر از دست می رفت.

ناگهان طوفانی بر فراز کوه آمد. باد شدید و باران آمد. تندر رونق گرفت. صاعقه به برخی از درختان نزدیک دشمن برخورد کرد. درختان شعله ور شدند. شعله های آتش دشمن را ترساند و آنها عقب نشینی کردند. آنها از کوه بیرون شهر دویدند و دیگر برنگشتند.

شوالیه توضیح داد ، "با کمی شانس ، یک نقشه خوب حتی یک ارتش بزرگ را شکست می دهد."